

یک سلسله اسناد تاریخی

بقلم شرف الدین میرزا قهرمانی

— ۴ —

بدین سبب نواب نایب السلطنه العلیه از مصدر اجلاله ایون شاه فرمان علاحد کمال
 اختیاری در این خصوص باسم بکار بیگی مذکور آورده و از جانب
 سرکار مبارک خودش هم فرمان بهمان مضمون به بکار بیگی مذکور داده
 نوشتجات دوستانه با محبت تمام مراسله جنرال مزبور (۱) نوشته و یگانه
 که بین الدولتین در همان نوشتجات به مذکور درست حالی نره بودند
 و ترکیب رفع فساد در باب بزرگان سرحد نتهان این دولت که خود
 جنرال دایمانارضا مندی اظهار می کرد با نوشته علاحد بواسطت بکار بیگی
 مذکور باو حالی فرمودند بدرجه که عزل و نصب آنها را بموافق
 خواهش خود جنرال دادند که از هر کدامیکه رنجیده کسی همسایگی
 داشته باشد اظهار سازد و کونی کوچه ایروان را که آن خواهش میکرد
 باو واگذار فرمودند اما بشرطیکه اسم محالهای بنهر حق متصرفین را
 رجوع و آشکار سازند و به بکار بیگی مذکور باز حکمی فرمودند که
 این سنر اولاً با سعی تمام و با رفتار دوستی امر را با جنرال مذکور
 از هم بگذرانند و اگر باز مثل اوایل بهانه عذری عیبی بهمان بیاورد
 بدر خانه امیر اطور به بطر برخ رفته و با امنای دولت امر را تمام کرده
 و فیهل داده بپائندید از ورود بکار بیگی مذکور به نفلس جنرال
 مزبور اولش دست بکار زدن کردن و کج خلقی بسیار کرده بود من
 بعدیک نشه دیگری در باب سرحدات نزدیک به نقشه اولی ساخته بود

۶۸۶

این ترکیب که از کونئی کوکجه ایروانرا قدری گرفته و قدری
 گذشته از سمت سادات، خاج خطرا مشخص کرده بود و تکرار نگذاتته
 بود که بکار بیکی مذکور که کاغذ را مهر کرده و گفته بود که
 شما مراجعت بکنید و این کاغذ را نه که نایب السلطنه الا شاه باید مهر
 بکند بد از آن شما هم مهر بکنید و همان کاغذ را خود یر ملوف مهر
 نکرده فقط با امضای نایبش نسیم بکار بیکی مزبور (۱) کرده و باز
 بدیلماج مذکور روانه تبریز کرده بود بعد از مراجعت او تکرار معلوم
 و ثابت با منای ایندولت شد که فکر و خواهش جنرال مذکور در فساد
 میباشد چرا که بموجب عهد نامه باو لازم بود که چنین امرهای جزئی
 را که با سرشمنان ایندولت گفتگو کرده طی نماید نه که بنواب
 نایب السلطنه برساند حالا که رای مبارک نواب نایب السلطنه چنین
 قرار گرفت که در باب دوستی دولتین را یگانگی مقیم و مضبوط
 مانده باشد خود بردات پایی امر و رفع فساد سعی فرمودند حالا جنرال
 مذکور نواب نایب السلطنه را قبول نکرده امر را بخدمت شاه مبعث خواهد
 برساند بعد از آن نواب کاهکار به بکار بیکی مذکور حکم فرمودند و کاغذی
 بجنرال ولهمنوف نایب بنویسد باینمضمون که چه طوریکه وعده کرده
 ایم کونئی کوکجه ایروانرا بشما واگذار خواهیم کرد فقط اسم محال
 های متصرفین در میان بیاوری تا امر تمام شود بد از نوشتن این کاغذ
 جوابی از خود یرملوف به بکار بیکی مذکور رسید پر از رزالت (۱)
 و بیحرمتی بکار بیکی وضد باعتبار شوکت نواب کاهکار بد از این گذارشات
 جوابی رسید که جنرال مذکور مزار او بیچ مصاحبت گذار که در آنوقت
 در تفاهس بود از برای این گذارشات بخدمت شاه خواهد فرستاد که

امر را در حضور مشار الیه انجام نمایند از این خبر ثواب نایب السلطنه خود را پس کشیده فرمودند و هر چه خواهش ایشان است بخدمت او عرض بکنند مادیگر رجوع نداریم در سنه هزار و دویست و چهل هجری مطابق هزار و هشتصد و بیست و پنج عیسوی مصلحت گذار مذکور ورود آوردوی همایون بچمن سلطانه گردید بوقتیکه شرفیاب حضور مبارک شاه شد و عرض هارا نمود جواب همایون بمصلحت گذار چنین صادر شد که اگر دولت روسیه در نظر دارد که باما رسما جنک کند سبب های بسیار می توان جست مثلا استدعا کند از ولایتهای مثل ایروان و تبریز و غیره تا که لیاقت داشته باشد که شاه بشنود بدهد یا جنک کند نه اینکه در چنین امر جزئی و بی قابلیت که مورد فساد و خونریزی بین الدولتین واقع گردد و بدنامی میان عالم رو بدهد که خداوند جهان خون بیجا کشته گانرا از دو دولت خواهد پرید و اگر در نظر دولت شما چنین نباشد پس لیاقت ندارد که بار دیگر چنین گذارش ب قابلیت بگوش شاه برسد بروید و بموافق عهد ناده همایون که بین الدولتین هست باز سرحد نشینان ایندولت گفت و کرده امر را طی کنند و باعث فساد بین الدولتین نباشد بنما بد در دما روز ها خبری باوردوی همایون رسد که سوار ساهب-رزایوا-کونیک (۱) محال کومری باعسا بر و با لوبخانه از سرحد گذشته و کونبی کو کجه ایروان و بطرف باله نلو آمده و رزالت کلی برسر متمکنان آنطرف آورده و آن مکانها را ضبط کرده نشسته است و بسیار از رعایای آنطرف گریخته به قلعه ایروان آمده این گذارش بگوش مبارک شاه رسید و بعد از آن حکم صادر شد که یک نفر از متشخصین در خانه پادشاهی

مشخص کنند بایلچبگری به نزد امپراطور روسیه روانه سازند. رفته
 جمیع این گذارشات را با امنای آن دولت گفتگو کرده بمصلحت دهند
 تا رفع فساد شود اینخبر که بمصلحت گذار مذکور رسیده جواب
 بدر خانه رسیده که سردار گرجستان منع رفتن ایلچی به بطر برخ
 خواهد شد به سببیکه جمیع اختیارات و امورات این جانب را از امپراطور
 اعظم محول پاوست در اینخصوص باید با او حرف زد رسیدن این
 جواب بخدمت همایون شاه غمگین کرده فرمود سردار گرجستان
 چه کاره است بایلچی در خانه پادشاهی به نزد امپراطور رتن منع
 شود بعد مبرزای صادق نام یکی از متشخصین داتر خانه شاهی مشخص
 کردند و دیگر از برای اینکه بامحبت و به آسودگی امر را بر سر
 بیاورند بایلچی مذکور چنین حکم شد که اولاً بتفایس نزد جنرال مذکور
 رفته و بموجب عهد نامه با او گفتگو کرده و قطع نموده و اگر
 باز مثل او ایستد بنا به بهانه گذارد از آنجا راست به بطر برخ رفته
 در آنجا امر را از هم گذرانیده ناقطع نزاع شود بر گردد بعد
 مصلحت گذار مذکور را بحضور ظاهر شده اوضاع کار را باو حالی
 نموده و بدست مبارک خود کلی از جوهر ساخته شده بود باو مرحمت
 کرده مرخص فرمودند بعد از رفتن و رسیدن ایلچی مزبور به تفایس
 جنرال مذکور را در آنجا ندیده خواسته است که بطر برود جنرال
 ولپمنوف تائب باو راه نداده با اینجواب که چون خود جنرال برملوف
 اینجا نیست بدون اذن او بر من ممکن نیست که شمارا بطرف دولت
 روسیه راه داده شوم بدین سبب ایلچی مذکور مدت مدید در
 شهر تفایس مانده ناخبر فوت امپراطور الکساندر رسیده انوقت جنرال
 مذکور به تائب خود پوده است (۱) که چون امپراطور فوت شد ایلچی

ایران مراجعت کنند چه طوری که برگشت آمد بعد جواب از جنرال مذکور رسید که امپراطور فوت شد و قسطنطنین با ویلویویچ جلوس کرد بود از جنرال مذکور دیگر خبری رسید که قسطنطنین با ویلویویچ از امپراطوری دست برداشته و بجای او نمکولا با ویلویویچ جلوس کرد در رسیدن این جواب دولت ایران بالمذاریک تمام ایلیچی متشخص از جانب شاه و نواب نایب السلطنه متشخص مبعردند که به بطر برخ رفته بسر سلامتی در باب فوت امپراطور الکسندر با ویلویویچ و به مبارکی جلوس امپراطور نمکولا با ویلویویچ اظهار سازند در اینجانب بنای این امدارک بودند جوابی دیگر رسید که امپراطور مذکور جنرال منشی کوف نام را مامور و با بلچبگری ایران تعیین فرمودند و چنین کسی است که اختیارات تمام از جانب آندوات دارد که جمیع گفتگو و گذارشات اینطرف را طی کرده دوستی دولتین را علاوه مضبوط سازد در این خصوص لازم شد که دولت ایران انتظار آمدن ایلیچی مذکور را داشته باشد ایلیچی مذکور به ناپس آمد و از ناپس بسمت قراباغ بایران می آمد هنوز بسرحد ایران نرسیده سپاهی با نوب از طرف روسیه شغلتا از سمت ایروان از سرحد گذشته و به باش آباران آمده ضبط کرده نتسته در رسیدن اینخبر نواب نایب السلطنه العلیه النالیه با بلچی مذکور کاغذی نوشته و با چاپار فرستاده شد و آمدن سپاه مذکور را اظهار فرمودند ایلیچی مذکور هم بعد از زیارت رقم مبارک یک نفر از بوسکو نمکهای (۱) که همراه داشت به ناپس به نزد جنرال فرستاده و سپاه مذکور را برگردانند اما باز بقرار دویست نفر سالمات در محال مذکور باسم قرارل گناستند باین جمله متحمل شدند ایلیچی مذکور رسید که با حرمت تمام و با استقبال تمام ایلیچی مذکور را قبول کرده بحضور مبارک نواب نایب السلطنه مشرف شدند